هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال سیزدهم – شمارۀ ۳۶ ۱۴جدی ۱۳۹۳ ۱۳ ربیع الاول ۱۴۳۶ 4 January 2015



تعلیم و تربیت مهمترین ناحیۀ پرعظمت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را تشکیل می دهد و این یک حقیقت مسلم است که تعلیم و تربیت سالم، منبع همۀ فضایل و نیکی هاست.

از سخنان رهبر شهید

سالروز میلاد پیغمبر بزرگوار اسلام ناجی بشریت بر همه مسلمانان مبارک باد



بلغ العلـــــي بكماله | كشف الدجي بجماله
حسنت جميع خصاله | صلـــوا عليـه و آله

محمد نخستین مربی و آموزگار بشریت

ص۳

نوشتۀ: شهید صلح استاد برهان الدین ربانی

به مناسبت سالروز میلاد النبی صلی الله علیه وسلم

ستاره یی بدرخشید و ماه مجلس شد

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم پایه های حکومت خویش را بر چهار اصل (اخوت، تضامن اجتماعی، شورا و عدل) استوار نمود که با هر عصر و زمان قابل قبول می باشد.

ص۶

دیدارهای جداگانۀ؛ رئیس جمعیت اسلامی افغانستان با مقامات بیرونی و نمایندگان مردم

سه شنبه ۹ جدی ۱۳۹۳محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح با معاون فرماندهی نیروهای بین المللی در افغانستان دیدار کرد. در این دیدار طرفین روی اوضاع امنیتی کشور، پایان انتقال مسوولیت های امنیتی، دوستی و همکاری افغانستان باکشورهای بیرونی بحث و تبادل نظرنمودند. رئیس جمعیت اسلامی افغانستان خواهان مساعی مشترک طرفین در امر مبارزه با تروریزم شد. این مقام امنیتی قوای بین المللی از نقش جمعیت در آوردن صلح و امنیت ستایش کرد و خواهان همکاری های بیشتر دولت ها و جریان های تأثیر گذار در زمینه گردید. در عین حال رئیس شورای عالی صلح با چه یانگ چیل سفیر جمهوری کوریای جنوبی برای افغانستان دیدار و گفتگو کرد و خواهان تقویت روابط دو جانبه و مساعی مشترک در عرصه های مختلف به ویژه تحکیم روند صلح گردید. همچنان هفتۀ گذشته، رئیس جمعیت اسلامی افغانستان با آقای موریتس یوخمیز، نمایندۀ ملکی ناتو در افغانستان نیز دیدار و گفتگوی مثبت و سازنده داشتند که می توان این دیدارها را گام مثبت در بهبود اوضاع کشور دانست. رئیس جمعیت اسلامی افغانستان طی روزهای گذشته با تعدادی از شخصیت های جهادی و نمایندگان مردم ولایت بادغیس در ولسی جرگه دیدار نمود. دراین دیدارها روی اوضاع جاری کشور بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

پایان یک ماموریت ناتمام!

ابوبکر سبزوار

روز یکشنبه ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴ میلادی طی مراسمی در پایگاه ناتو در کابل، پرچم ناتو فرود آورده شد و به این ترتیب سیزده سال ماموریت جنگی این پیمان نظامی برای تامین صلح و مبارزه با تروریسم در افغانستان به پایان رسید.

هرچند فرماندۀ عمومی ناتو جنرال کیمپبل طی سخنانی که بعداً به نشر رسید این ماموریت را موفقیت آمیز خواند و گفت که سربازان ما با قربانی های شان کشورهای مان را مصون تر ساختند اما جریان همین مراسم نشان از عدم موفقیت این نیروها در پیروزی برضد مخالفین مسلح دولت افغانستان داشت. این مراسم بخاطر مسایل امنیتی در یک سالون ورزشی برگزار گردید و خبر برگزاری آن نیز قبلاً نشر نشده بود. این مراسم دو روز قبل از زمان از قبل اعلام شده، تدویر یافت.

وقتی خود این نیروها از وضع امنیتی چنین نگران اند و احساس مصونیت ندارند، پس چگونه می توانند ادعا کنند که حضور سیزده سالۀ آنها در افغانستان به موفقیت توام بوده است؟ اما شاید حرف اصلی همان بود که جنرال کمپبل گفت و آن اینکه هدف از این جنگ مصون ساختن کشورهای خودشان از شر تروریست ها بود نه شکست طالبان و یا تروریسم که مشخص است ریشه در کجا دارد. باراک اوباما که از مدتها قبل وعده سپرده بود جنگ افغانستان یعنی طولانی ترین جنگ در تاریخ امریکا را بصورت مسوولانه به پایان خواهد رسانید، به این مناسبت گفت که طبق وعدۀ وی این جنگ مسوولانه به پایان رسید! بیچاره اوباما غیر از این چه می تواند بگوید؟ اگر بگوید که ما به وعده هائی

ص۲

واکنش استادعطامحمد نور به گزارش مجلۀ اشپیگل آلمان

ص۵



حادثۀ غم انگیز هلمند را تقبیح می کنیم

ص۶

۱۰۰ روز نخست حکومت وحدت ملی؟

ص۲

روسیه و نگرانی از آیندۀ افغانستان

ص۲

افغانستان در برابر یک تهدید جهانی!

ص۵

آغاز سال مالی و عدم تصویب بودجۀ ملی ۱۳۹۴

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارۀ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

۱۰۰ روز نخست حکومت وحدت ملی؟

رسم معمول در حکومت های تازه به قدرت رسیده، صد روز نخست از جمله روزهای است که حکومت ها در محک آزمایش قرار می گیرد. از ساختن کابینه گرفته، تا طرح برنامه های اساسی و ساختاری که بتواند روی افکار عامه تأثیر گذار باشد. اما حکومت وحدت ملی در این مدت، از تأمین امنیت، چگونگی آوردن صلح، بازنگری روی ساختارهای تشکیلاتی و اصلاحات، گام های اساسی در زمینۀ رشد اقتصاد و پیشرفت و توسعۀ کشور و مبارزه با فساد اداری، بجز از امروز و فردا و بگو مگوها و اظهارات معماگونه و مبهم، کاری را به پیش نبرده است. که چنین روش، بی باوری ها را تقویت و ملت را در یک فضای سر درگمی قرار داده است و همه نگران وضعیت بعدی اند.

حکومتی که با سرپرست ها اداره می شود و قادر بر این نبوده تا در صد روز نخست کاری اش، روی کابینه به توافق برسد و جهت اخذ رأی اعتماد به مجلس نماینده گان معرفی بدارد، بر چالش هایی که در این کشور کم نداریم، خواهد افزود. مردم که از جنگ، نا امنی، بلند رفتن نرخ اسعار خارجی در برابر پول افغانی، _ که در بلند رفتن قیمت های مواد اولیه تأثیر مستقیم دارد - قانون گریزی و قانون شکنی، فساد و رشوه ستانی به ستوه آمده اند، منتظر عملکرد دولتمردان کشور اند. مردم افغانستان تشنۀ حکومتداری خوب، اصلاحات سراسری و تطبیق قانون اند که به وعده های سران حکومت وحدت ملی سخت دل بسته بودند.

در کشوری چون افغانستان که هر لحظه زد و بندهای گونه گون پیدا و پنهان می تواند تغییراتی را در همه عرصه ها خواسته و نا خواسته وارد نماید، دولتمردان نباید حربۀ تبلیغاتی به دست دشمنان بدهند تا وسیلۀ باشد جهت تقویت بی باوری ها، و اتحاد و اتفاق بدست آمده فدای خواست های این و آن گردد.

تا جایی که به رئیس اجرائیۀ حکومت وحدت ملی بر می گردد، داکتر عبدالله عبدالله در دیدار با هیئت اداری مجلس نماینده گان با صراحت از این راز پرده برداشت و گفت، این تیم تمام نامزد وزرای خود را برای گرفتن رأی اعتماد نهایی کرده است اما آنچه باقیمانده، لیست نامزد وزرای رئیس جمهور غنی می باشد که نهایی نشده است. حتا از سوی ریاست اجرایی اعلام شد که، بخاطر پیشرفت در امور کابینه، اینها "فراقانونی" عمل کرده اند. در صورت تأخیر بیشتر، موضوع هرچه باشد - اختلاف بین دو تیم، اختلاف میان تیمی و یا عواملی دیگر - در نهایت پرده از رازها برداشته خواهد شد. از حکومت وحدت ملی مجدانه می طلبیم در تشکیل و معرفی کابینه تصمیم جدی بگیرند، به انتظارهای مردم خاتمه دهند و هرچه عاجل برمبنای موافقتنامۀ سیاسی عمل نمایند تا این گره کور که به سرنوشت کشور و مردم وابسته است، باز گردد.

روسیه و نگرانی از آیندۀ افغانستان

■ وحید مژده

با پایان گرفتن ماموریت ناتو در افغانستان و سپرده شدن مسوولیت های امنیتی به نیروهای نظامی افغان، نگرانی کشور های همسایه از تحولات اوضاع در افغانستان نیز افزایش می یابد. یکی از کشور هائی که بیش از دیگران نگران وضع کشور ماست، فدراسیون روسیه می باشد. کشوری که خود بیش از ۳۵ سال قبل با حمله به افغانستان این آتش را بر افروخت.

سرنگونی رژیم داکتر نجیب و بدنبال آن بمیان آمدن حکومت مجاهدین، موجب تحولاتی در آسیای میانه شد. در تاجیکستان نهضت اسلامی این کشور برای ایجاد یک حکومت اسلامی در آنجا قد علم کرد و حکومت مجاهدین از این حرکت به حمایت برخاست اما بعداً حکومت مجاهدین بجای حمایت از جنگجویان تاجیک، از پروسۀ صلح میان تاجیک ها حمایت نمود و در این راه به میانجیگری پرداخت. این زمانی بود که طالبان در جنوب افغانستان ظهور کردند و بسرعت بر بخش بزرگی از افغانستان سیطره یافتند.

در زمان ظهور تحریک طالبان و بمیان آمدن حکومت طالبان در افغانستان در سال ۱۹۹۶، هرچند فدراسیون روسیه درگیر مشکلات داخلی خود بود اما با وجود آن، ماسکو به نیروهای مخالف طالبان در افغانستان کمک های نظامی فراوان نمود و سعی کرد از رسیدن طالبان به مرزهای آسیای میانه جلوگیری نماید. طالبان نیز با پناه دادن به کسانی چون طاهر یولداش جنگجوی ازبیک تبار و یاران وی چون جمعه بای نمنگانی و برسمیت شناختن دولت چچنیا برهبری اصلان مسخدوف، نه تنها در آسیای میانه بلکه در کرملین نیز نگرانی آفریدند. پس حملۀ امریکا به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان اطمینان خاطری به روسها بود.

در طول سیزده سال گذشته روسها از اینکه امریکا در منجلاب افغانستان فرو مانده است خوشحال بودند و نمی خواستند در این ماجرا دخالت کنند. روسها بر بنیاد تجربۀ شان از حمله به افغانستان می دانستند که امریکا و متحدینش در این کشور بهای گزاف یک جنگ بی نتیجه را می پردازند و این جنگ به امریکا فرصت نفوذ به آسیای میانه را که روسیه در طول تاریخ آنرا منطقۀ نفوذ خود بسوی جنوب می شناسد، نخواهد داد. بنابراین اوضاع به نفع روسیه بود و به همین دلیل ماسکو همیشه درمورد عواقب منفی خروج زود هنگام نیروهای خارجی از افغانستان هشدار می داد.

از جانب دیگر امریکائی ها رهبران گروه های اسلامگرای آسیای میانه را که منافع روسیه را دراین منطقه تهدید می کردند از بین برده بودند و این به نفع روسها بود اما تولید مواد مخدر در افغانستان که با حضور نیروهای خارجی بشکل سرسام آوری در حال گسترش بود، مشکل بزرگی برای روسیه بوجود آورد. از آن به بعد اگر روسها تلاشی در جهت ایجاد رابطه با دولت کابل کردند، بیشتر به همین نگرانی رابطه داشت.

اما در بخش های دیگر از منطقۀ نفوذ اتحاد شوروی سابق یعنی شرق اروپا وضع به نفع روسها نبود. امریکا در تلاش گسترش ناتو بسوی شرق و به بهانۀ مقابله با ایران، در تلاش استقرار موشک های خود در پولیند و جمهوری چک بود که با مخالفت روسیه مواجه شد. غرب با حمایت از انقلاب های رنگین سعی در از میان بردن رژیم های متمایل به روسیه در این منطقه از جهان نمود تا اینکه وقایع اوکراین پیش آمد. روسیه با دخالت در اوکراین و جدا کردن کریمه از اوکراین، غرب را خشمگین ساخت و به این ترتیب روابط میان غرب و فدراسیون روسیه بشدت تیره شد. اکنون اعلام گردیده که امریکا قصد دارد بخشی از تجهیزات نظامی را که از افغانستان بیرون می برد، در اختیار دولت اوکراین قرار خواهد داد تا علیه نیروهای طرفدار روسیه در اوکراین از آن استفاده شود.

منطقۀ دیگری که روسیه و غرب در آن رویاروئی را تجربه می کنند شرق میانه است. روسها با حمایت از رژیم بشارالاسد در سوریه، در برابر اهداف غرب در این منطقه ایستادند و در کنار ایران قرار گرفتند. سیر وقایع در جهان عرب از لیبیا تا عراق نشان می دهد که سیاست امریکا در این منطقه ایجاد بحران از طریق مداخله است. دولت های ورشکسته Failed State که بعد از این مداخله بمیان می آید، توان کنترول اوضاع را نخواهد داشت و دامنۀ بی ثباتی گسترش خواهد یافت.

با پایان ماموریت نظامی ناتو، فدراسیون روسیه دچار این نگرانی شده است که امریکا با خروج از افغانستان، یک کشور بی ثبات و درگیر جنگ را ترک می کند که نخستین تاثیرات این بی ثباتی در آسیای میانه محسوس خواهد بود. در چندین مقاله که اخیرا در رسانه های آسیای میانه و روسیه به نشر رسیده، به نشستی در اسلام آباد اشاره شده که گویا دوماه قبل دایر شده و در آن ضرورت کمک به گروه های اسلامگرا برای گسترش دامنۀ جنگ به کشور های آسیای میانه تاکید گردیده بود.

بنابراین غیر منتظره نبود اگر با پایان ماموریت رزمی ناتو در افغانستان، روسها از وضع این کشور نگران شدند و سفیر جدیدی به افغانستان فرستادند. الکساندر منتسکی سفیر جدید روسیه در کابل از سال ۱۹۸۴ بحیث دیپلومات در وزارت خارجۀ شوروی کار کرده و قبلاً به عنوان سفیر در کشورهای پاکستان، هند و نپال ایفای وظیفه نموده است. وی بعد از انتساب به این سمت، آمادگی کشورش را برای کمک های نظامی به افغانستان نیز ابراز داشت هرچند وی گفت که روسیه قصد ندارد سرباز به افغانستان بفرستد.

با توجه به این حقیقت که روسیه در طول سیزده سال گذشته علاقه ای حتی به کمک غیرنظامی به افغانستان نداشت، به نظر می رسد که اکنون این کشور نگران وضع آسیای میانه بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان است. روسیه در این رابطه دو گزینه در جلو دارد؛ نخست اینکه با کمک تسلیحاتی به دولت افغانستان سعی نماید این جنگ در داخل مرزهای افغانستان محدود باقی بماند که البته با توجه به جریانات سیزده سال اخیر، این انتظار کاملاً نامحتمل است.

راه دوم اینست که فدراسیون روسیه و سایر کشور های منطقه با ایجاد همگرائی تلاش نمایند که در جهت پایان جنگ در افغانستان و بمیان آمدن یک افغانستان با ثبات مردم افغانستان را کمک کنند تا منطقه و از جمله آسیای میانه از پی آمد های این جنگ در امان باقی بماند.

پایان یک ماموریت نا...

که به مردم افغانستان داده بودیم عمل نکردیم، این حرف غیر مسوولانه خواهد بود؛ اگر بگوید که ما به اهدافی را که بخاطرش به افغانستان رفتیم، دست نیافتیم، مردم امریکا خواهند پرسید که پس مصرف یک تریلیون دالر پول دهندگان امریکا چقدر دنیا را مصون تر ساخت؟

از آغاز سال ۲۰۱۵ ماموریت نیروهای خارجی در افغانستان، دادن آموزش و مشورت دهی به ۱۳۰ هزار نیروی نظامی و انتظامی افغان است که تحت عنوان حمایت قاطع صورت خواهد گرفت. این آموزش و مشورت دهی برای دفاع از مرز های افغانستان در برابر تجاوز خارجی نیست بلکه هدف این ماموریت، کمک به نیروهای افغان برای ادامۀ جنگ در داخل خواهد بود.

در طول بیش از سه دهه جنگ در افغانستان، حضور نظامی قدرت های خارجی هم در این کشور نتوانست گرهی از این مشکل بگشاید. در طول سیزده سال گذشته نظامیان ۵۰ کشور جهان در افغانستان با جنگی مواجه شدند که همه مردم این کشور در آن سهم نداشتند. تعداد این نیروها گاهی تا ۱۳۵ هزار نفر نیز رسید اما وقتی آنان در برابر یک گروه نتوانستند به پیروزی قاطع دست یابند، حمایت قاطع آنان از جنگ افغانها علیه افغانها چه دست آوردی برای ما خواهد داشت؟

افغانستان بجای حمایت قاطع خارجی از جنگ، نیازمند حمایت قاطع از پروسۀ صلح است. تجربه نشان داده که امریکا تنها کشوری است که می تواند روی پاکستان فشار آورد و این کشور را از دخالت در امور کشور ما باز دارد اما در طول سیزده سال گذشته جز در مواقعی که منافع خودش ایجاب نموده، هیچ فشاری بر پاکستان وارد نیاورده است.

پایان ماموریت رزمی ناتو در افغانستان این سوال را مطرح کرده است که آیا نیروهای افغان به تنهائی قادر به دفاع از امنیت کشور شان خواهد بود؟

در جواب باید گفت که نفس همین تجربه از گذشته کافیست تا از بمیان آمدن وضع گذشته اجتناب گردد. تجارب گذشته بما آموخته است که وجود نیروهای نظامی و انتظامی برای کشور ما تا چه حد مهم و حیاتی است و گذشته از این که نیروهای مسلح با خروج نیروهای خارجی از کشور روحیۀ خیلی بهتری خواهند یافت و مانع چنین توطئه ها خواهند شد، بعد از این هیچ گروهی نیز سعی نخواهد کرد تا آن تجربۀ تلخ را تکرار نماید.

از طرف دیگر طالبان هم باید خود را برای افغانستان بعد از ۲۰۱۶ آماده سازند. وقتی نیروهای خارجی افغانستان را ترک می کنند، دیگر دلیلی برای ادامۀ جنگ در کشور وجود نخواهد داشت.

محمد
نخستین مربی و آموزگار بشریت

نوشتهٔ: شهید صلح استاد برهان الدین ربانی

عظمت و جلال رهبر انسانیت، رسول اعظم (صلی الله علیه وسلم) جوانب و پهلوهای مختلف دارد و ما در این نبشته یک از جوانبی را که از وظایف اساسی رسالت پیشوای بزرگ است، مورد بررسی مختصر قرار می دهیم.

رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) این بخش از رسالت جهانی خود را چنین بیان نموده اند: (یعنی من به صفت مربی و آموزگار مبعوث شده ام.)

قرآنکریم این وظیفهٔ عمده و اساسی پیشوای بزرگ را چنین شرح می دهد: ترجمه (یعنی خداوند آن ذاتی است که در میان اُمیان پیامبر را از میان خود آن ها مبعوث نموده، تا آیات خداوندی را برایشان بخواند و آنها را پاک سازد و برای آنها کتاب و حکمت را تعلیم بدهد، آنانی که پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.)

این آیت قرآنی تعلیم و تربیت را به عنوان وظیفهٔ اساسی در رسالت پیغمبر اسلام معرفی نموده است. تعلیم و تربیت مهمترین ناحیهٔ پرعظمت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) را تشکیل می دهد و این یک حقیقت مسلم است که تعلیم و تربیت سالم، منبع همهٔ فضایل و نیکی هاست. اگر صلاح و درستی در ساحهٔ اقتصاد و سیاست، اخلاق و اجتماع و دیگر پهلوها و نواحی زنده گی ملاحظه می شود، این همه محصول تعلیم صحیح و تربیت سالم است. ملت فاقد علمی که بیانگر نحوهٔ سلوک او در زندگی باشد و فاقد تربیتی که به وسیلهٔ آن هر فرد وجایب خود را بشناسد، چنین ملتی دچار انارشی و اضطراب می گردد؛ زیرا افراد چنین ملتی، هرکدام سلوک مستقل را انتخاب نموده و بر خورد و تصادم در میان شان به ظهور آمده؛ وحدت و یکپارچه گی شان از بین می رود. پیغمبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وسلم) در راه انجام رسالت عظیم خویش، ملت اسلامی را به اساس طرز فکر، اخلاق و قوانین مشخص پایه گذاری نمود و افراد آن را به مبنای ارزش های زنده گی ساز اسلام متحد و یک پارچه ساخت و در مسیر تکامل سوق داد؛ در پرتو تربیت والا و توجیه عالی پیامبر بزرگ، تحولات عمیق در دل و دماغ مسلمانان به ظهور آمد، واقعیت های زندگی شان تغییر یافت و اعمال، اهداف و تصرفات شان عوض شد. طرز فکر و تصورات شان در مورد زندگی و هستی بدل شد، مردانی که در زندگی آرزویی جز هوس رانی و تن پروری در سر نمی پروریدند و هدفی جز ظلم و بیداد گری نداشتند، بعد از آشنایی و شاگردی در مکتب دوران ساز رهبر انسانیت به عنوان پیشوایان دلسوز بشریت، بزرگ ترین آرمان شان خدمت به بندگان خدا و پخش و نشر مبانی خیر و فضیلت، در سراسر جهان بود، اُمیان جاهل، در پرتو تعلیم و تربیهٔ این رهبر گرانمایهٔ بشریت، چون اختران فروزنده در آسمان علوم و معارف درخشیدند و گمراهان عصیانگر، رهبران دنیای انسانی شده و بشریت را در طریق خیر و فضیلت رهبری نمودند.

این فاروق اعظم که قاموس عظیمی از افتخارات بشریت است، اگر در مکتب اسلام داخل نمی شد و به دست توانای رهبر انسانیت تربیت نمی یافت، عربی می بود قسی القلب و گمراه که در ظلمت گاه نا به سامانی های جاهلیت می زیست و در تاریکی گُم نامی نابود می شد، مگر با آشنایی به فرهنگ خلاق و زندگی ساز اسلام، جهان را برتر از حدود زمان و مکان پر از خیر و فضیلت ساخت.

عبدالله بن مسعود (رض) که مؤسس بزرگترین دبستان فقهی در ساحهٔ حقوقی اسلام است، چوپانی بود حقیر و بی خبر از هر چیز، اما دست توانای گرامی ترین فرزند آدم او را فقیه بزرگی بار آورد که بزرگ ترین مکتب فقهی در اسلام روی نظریات او استوار است.

در این جا، برای توضیح بیشتر، مظاهری از دگرگونی هایی را تقدیم می کنیم که در حیات یاران پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) به علت ارتباط به آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) و بهره مند شدن از تربیت و توجیه عالی آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) رونما گردیده است.

نسائی، از عایشه (رضی عنها) روایت می کند: دختری به نزد رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) آمده اظهار نمود: یا رسول الله! پدرم مرا به پسر کاکایم به نکاح می دهد، اما من از این ازدواج راضی نیستم. رسول (صلی الله علیه وسلم) پدرش را طلبید و آن گاه اختیار ازدواج را به خود دختر سپرد، دختر گفت: ای رسول خدا! اکنون من آن چه را پدرم کرده پذیرفتم، مگر خواستم بدین وسیله به زنان بفهمانم که پدرانشان در مورد ازدواج آنان حقی ندارند.

در این جا، ملاحظه می کنیم زنی که تا دیروز، پیش از ظهور اسلام در جزیرهٔ العرب قادر نبود، از زنده به گور شدن خود دفاع نماید، بعد از داخل شدن در آیین اسلام و آشنایی به تعالیم رهبر انسانیت، نه تنها از حقوق خود دفاع می کند، بلکه به دفاع از حقوق زنان بر می خیزد. تربیت والای پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) همهٔ پهلو های زندگی اصحاب را احتوا می کرد، تقویت روحیه، اتکاء به خود، کسب عزت النفس، اصلاح وضع ظاهری، رعایت زیبا پسندی در هر چیز و دیگر پهلوهای زندگی را این تربیت عالی شامل می شد و هیچ ناحیهٔ از نواحی زندگی را مهمل نمی گذاشت و اینک – بازهم – این نمونه های عملی را تقدیم می کنیم: از عوف بن مالک روایت می شود: چند نفری به نزد رسول خدا بودیم آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) فرمود : مگر به رسول الله بیعت نمی کنید؟ این جمله را سه بار تکرار نمود، پس ما پیش شده و آمادهٔ بیعت شدیم. اظهار نمودیم: حال بیعت کردیم؛ پس بفرما به روی چه با تو عهد و پیمان بندیم؟ پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: بر این که خدا را پرستش نمایید و شریکی به وی نیاورید، نماز های پنجگانه را اداء نمایید و از مردم هیچ چیزی نخواهید. راوی اضافه می کند، بعضی از این اشخاص را دیدم که چون تازیانه اش به زمین می افتاد، از کسی نمی خواست که آن را برایش بدهد.

آری! در اثر آشنایی به مفاهیم عالی تربیتی اسلامی بود که این مردم به پیمانهٔ عالی از عزت النفس و اتکاء به خود بر خوردار شده، همه کارهای خود را انجام می دهند و بار دوش بودن و طفیلی زیستن را عملاً از صفحهٔ زندگی خویش نابود می سازند.

مالک از عطاء ابن یسار روایت می کند: مردی با سر و ریش اصلاح نشده و موهای پراگنده به نزد رسول خدا آمد، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) او را ملتفت ساخت، تا سر و موی خود را اصلاح کند. شخص مذکور رفته و چنین کرد، چون واپس به مجلس رسول خدا آمد، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: مگر این وضع بهتر نیست، از این که شخصی از شما با موهای پراگنده بیاید، گویا که شیطان است.

آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) اصحابی را که موی می ماندند، امر می کرد که موهای خود را شست و شو و تربیت نمایند. اسمای زشت آن ها را به نام های شایسته عوض می کرد و بدین وسیله، همه پهلوهای حیات مسلمانان را با تربیت عالی خویش اصلاح می نمود.

رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) اصحاب را مکلف می ساخت که تعلیم و تربیت را عمومیت بخشند، چنان چه طبرانی به روایت از علقمه آورده است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: چه باشد، حال آن قومی که همسایه های خویش را فقیه نمی سازند و آن ها را تعلیم نمی دهند و پند و نصحیت نمی کنند و آنها را امر و نهی نمی نمایند و چه باشد، حال آن هایی که از همسایهٔ خویش علم فرا نمی گیرند، پند آنها را نمی شنوند و فقه فرا نمی گیرند؛ قسم به خدا! یا حتماً مردم همسایه های خویش را تعلیم می دهند و یا این که آن ها را به زودی عقاب می نمایم. در این جا گروهی از مردم، از یک دیگر خویش پرسیدند، چه فکر می کنید؟ هدف پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) چی بود؟ رسول خدا فرمود: اشعری ها مردم فقیه اند، اما همسایه گان شان اعراب سخت سر اند. این فرمودهٔ رسول خدا را چون اشعری ها شنیدند، به نزد رسول خدا آمده و اظهار نمودند: یا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خبر شدیم، گروهی را به نیکی یاد کردید و از ما اظهار نارضایتی نمودید، پس گناه ما چیست؟ رسول خدا سخنان قبلی خود را تکرار کرد، آن ها گفتند: مگر حتماً دیگران را پند بدهیم؟ این سخن را تکرار کردند. رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) مکرراً ایشان را به این مکلفیت ها توصیه نمود؛ پس یک سال مهلت خواستند، تا در خلال آن همسایه های ناخوان خویش را تعلیم بدهند و آن ها را موعظه نمایند. از خلال این حدیث، نقاط عمدهٔ را در تربیت والای پیغمبر اسلام ملاحظه می کنیم، در این جا می بینیم که اسلام مثقف و عالم، را مکلف می سازد؛ غیر مثقف را، تربیه و جاهل را، علم یاد می دهد، تا بدین وسیله ملت در مسیر پیش رفت، به تندی گام بردارد و به این ترتیب تعلیم و تعلم هردو در نظام تربیتی اسلام اجباری و الزامی اعلام می شود و احتکار علم منسوخ می گردد.

بلی! بسط علم و فرهنگ از مقدس ترین و پر ارزش ترین هدف های تربیتی اسلام است. محیط تربیت پیامبر بزرگ اسلام، در چوکات رهبری اصحاب و یاران محدود نبود، بلکه همهٔ جزیرهٔ العرب و خارج از آن را احتواء می کرد و چون قبیلهٔ ایمان می آورد، حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) عدهٔ از نمایندگان آن را می خواست و شخصاً خود آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) و یا برخی از یاران شان آن ها را تحت تربیت قرار می دادند و چون رخصت می شدند، آن ها را مأمور می ساخت تا در میان قبیلهٔ خویش، وظیفهٔ تعلیم و تربیت را به عهدهٔ خود بگیرند؛ علاوه بر ان اصحاب و یاران خود را به اطراف و اکناف می فرستاد، تا مردم را بر مبانی و ارزش های اسلامی تربیت نمایند؛ چنان چه مصعب بن عُمیر، یکی از مربیان و آموزگاران گرانمایهٔ بود که در اثر توجه و رهبری او، فروغ ایمان در سراسر مدینه پخش شد. در اثر همین تربیت عالی پیامبر بود که امیان چادر نشین و بیابان گردان بی دانش بر همهٔ فرهنگ های عصر خویش، سبقت جسته و هر کدام با چنان نیروی استدلال مجهز شدند که فرهنگ های آن روز دیگر در برابر شان تاب مقاومت نداشت. در این جا، مثالی را یاد آور می شویم که سه فرزند بادیه که به دست توانای پیامبر تربیت یافته بودند، بر ثقافت و فرهنگ سه ملت شکوه مند آن روز غلبه یافتند، این سه تن همانا عبارت بودند از: حاطب بن ابی بلتعه که به صفت نمایندهٔ رسول خدا به نزد مقوقس امپراتور مصر و علاء حضرمی به نزد منذر امیر بحرین و مغیره بن شعبه که به نزد کسری امپراتور ایران، رفته و آن ها را به دین اسلام دعوت کردند.

مقوقس به حاطب (رض) گفت: این شخصی که شما مدعی پیغمبری او هستید، اگر رسول باشد، پس چه چیز جلو او را گرفت، تا علیه قوم خود که او را از خانه و دیارش بیرون راندند، دعای بد نکند؟ حاطب در جواب گفت: چه چیز مانع عیسی علیه السلام گردید، در آن حالی که قومش او را گرفتند، تا به قتلش رسانند که از خدا بخواهد آن ها را هلاک نماید؟ مقوقس گفت: به جا گفتی! تو حکیمی هستی که از طرف حکیمی آمده ای.

علاء حضرمی، امیر بحرین را مخاطب قرار داده و اظهار نمود: ای منذر! در دنیا مردی خردمند و دارای مغز بزرگ هستی، پس راجع به آخرت خیره سر مشو، دین و آیین مجوس، دین به غایت زشت است، نه اخلاق عربی در آن وجود دارد و نه هم دانش اهل کتاب، نکاح کسی را روا می داند که از آن حیاء می آید و خوردن چیزی را جواز می دهد که طبیعت از آن تنفر می کند، آتش را می پرستند که در آخرت آنان را می سوزاند. آخر تو فاقد عقل نیستی، پس اندکی فکر نما، آیا سزاوار است کسی را که در دنیا دروغ نمی گوید، تصدیق نکنی؟ و آن کسی را که خیانت نمی کند، امین نشناسی؟ و کسی را که خلاف وعده نمی کند، به او اعتماد نکنی؟ این پیامبر اُمی که هیچ عاقلی نمی تواند، بگوید: به آن چه امر نمودند، نهی کرده به آن امر می کرد و عفوش از گناه نسبت به عقابش در برابر آن بیشتر می بود و این همه به علت آن است که تمامی آن چه را گفته و به آن امر نموده، مطابق به آرمان های خردمندان و فکر صاحب نظران است.

مغیرهٔ بن شعبه، در برابر کسری که از شاهان خود خواه و متکبر بود، اظهار نمود: ای پادشاه ! این ها که به نزد تو آمده اند، از مردان شریف عرب اند و از مردان شریف نمایندگی می کنند، اشخاص شریف، شرفاء را عزت می دهند، حقوق شان را محترم می شمارند. آن ها همه سخنان تو را رد نکردند و با تو مراعات کردند، اکنون تو جواب ما را بده، من به تو پیغام می رسانم و این ها گواه باشند، تو مرا به صفاتی یاد کردی که درست به آن آشنا نبودی، این که توگفتی ما عرب ها زندگی و احوال بد داشتیم، بلی؛ در بدترین حال به سر می بردیم، گرسنه گی ما نظیر نداشت، از خزندگان و مارها تغذیه می کردیم ، لباس ما از پشم و موی گوسفند و اشتر تیار می شد، آیین ما، کشتار هم دیگر و تجاوز علیه هم بود، از بیم قلت غذا، دختران خود را زنده به گور می کردیم؛ احوال ما پیش از این طوری که تو گفتی، هم چنان بود، پس خداوند مردی را که همه او را می شناسیم، در میان ما مبعوث ساخت، زادگاهش پرمایه ترین سرزمین ماست، نسبش بهترین نسب ما و خانواده و قبیله اش بهترین خانواده و قبیلهٔ عرب است، او راست گوتر و بردبار ترین همهٔ ماست، ما را به راه حق دعوت کرد و در آغاز نپذیرفتم، حرفش را رد کردیم، راست گفت، دروغ پنداشتیم، در برابر همهٔ نارسایی های ما چیز نگفت؛ سرانجام خداوند دل های ما را به انوار تصدیق و به پیروی او روشن ساخت. او در میان ما و خداوند واسطه شد و به غیر از هدایت حق چیز دیگری را برای ما نگفت و جز به پیروی به فرمان او، به چیز دیگر مأمور نساخت. او برای ما گفت: پروردگارتان می گوید: من خدای واحدم و شریکی ندارم، در آن حال که هیچ چیزی نبود، فقط من بودم همه چیز ها را آفریده ام و همه چیز به سوی من بر می گردد. رحمتم شامل حال شما شد که این پیامبر را به شما فرستادم، تا شما را به راهی دعوت کند که عامل نجات شما بعد از مرگ و داخل شدن تان در بهشت جاودان ، می گردد. ما شهادت می دهیم که او حق را از پیشگاه حق – تعالی- آورده است. او برای ما هدایت داده هرکس که در این راه از شما پیروی نماید، در حقوق و واجبات با شما یکسان است.

و آن کسی که از قبول این تعالیم ابا ورزد، پس او مکلف به پرداخت جزیه و مسلمانان مکلف به دفاع و حمایت از او اند و آن های که از قبول این همه سرتابند، با آنها جهاد کنید و کسی که در این راه کشته شود، داخل بهشت جاودان، می گردد و مسلمانان را بر دشمنان شان پیروز می گردانیم.

پس تو اکنون می توانی انتخاب کنی، یا با قبول ذلت جزیه می پردازی ، یا زبان شمشیر با تو حرف می زند و یا مسلمان می شوی و خود را نجات می دهی، یزدگرد گفت: با این کلمات مرا مخاطب می سازی؟

جواب داد: آری!

در این جا ملاحظه می شود که چادر نشینان اُمی که به دست توانای رهبر انسانیت، تربیت یافته اند، اینکه دارای منطق رسا و کوبندهٔ شده اند که در برابر شان هیچ منطق و فرهنگی، یارای مقاومت را ندارد. آری! این همه محصول تربیت والا و توجیه عالی پیامبر بزرگ است. ■

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سیرت ونده

درې دیرشمه دربرخه

ژباړه: اجرالدین اقبال

اتم څپرکی

سیره او روزنه

سویسي عالم "سیدللو" د پیغمبر اکرم په اړه په ((تاریخ العرب)) کي وایي:

(("محمد"په 25 کلنی کي په خپل پاک سیرت او عادلانه چلن خان ته "امین" لقب ورکړ او خلکو یې ډېر ژر خبره ومنله او ملاتړ یی شول؛پر کوچنیانو لورین و او د مشرانو یې درناوی کاوه .))

فرانسوي ختیځ پوه "کاردایفو" د پیغمبر اکرم په اړه په ((مفکر و الاسلام)) کتاب کي وایي:

((عربو له اسلامه مخکي،په هر ناوړه کار لاس پوري کاوه؛خو "محمد" د نوي دین په راوړو،په سمونو لاس پوري کړ او یو لاس یې کړل،چارې یې ورته پر ازرښتمنو قوانینو سمبال کړي او تر هغوی یې ریښه ور،عزتمن او متمدن امت جوړ کړ.))



د سیرت روزنیز اړخ

روسی لیکوال "ایوانوف" د اسلام په باب لیکي:

((اسلام په بیره په نړی کي خپور شو،چې بنستګر یې عربي "محمد" و، چې و یې کړای شو،د خپل قوم ناوړه ارثي دودونه له منځه یوسي او د عربو قبایل یو لاس کړي،ذهنونه یې روښانه،اخلاق یې ښه او زړونه یې نرم او پرمختګ ته یې چمتو کړي او په دې لار کي یې بری هم لاس ته راووړ او په رښتیا،چې هغه له سترو سمونپالو و.))

وګورئ: (مجله الثقافه ،7 ټوک، د روسیې چاپ)

هو! همداسې وه او "محمد"(ص) هغه ټپ ولاړ او ناپوه ملت وروزه او د روزني داسې پرمختللي دودونه یې ورزده کړل،چې د اوسنی نړی د روزنې د پوهانو نظریات لا ورته نه دي رسېدلي.

ننني نړی د کمپیوټر او اینټرنټ پر جوړوونکي ویاړي؛خو سره له دې ټولو وزلو،پر مخدره توکیو د روږد له درمله بېوسې ده؛خو پیغمبر اکرم له هغه وحشي عربو د ورځې زمري او د شپې زاهدان جوړ کړل او داسې انسانان یې تري جوړ کړل،چې څه یې خان ته خوښول،بل ته یې هم خوښول او په پوره بېوزلی او اړتیا کي یې د نورو اړتیاوې ترخپلو اړتیاوو وړومبی ګڼلې او د اسلام له راښکاره کېدو لا نیمه پېړی نه وه تېره،چې پر نیمه نړی واکمن شول .

د روزني تعریف

روزنه: هغه کمال ته د انسان مخ ور اړول دي، چې خدای ورته خوښ کړی وي.

په دې تعریف کي لاندې ټکیو ته پام په کار دئ :

1_تر روزني لاندې یوازې انسان دی،نه څاروي او نور موجودات.

2_د روزني موخه د کمال پر لور حرکت دی،نه د کمال تر لاسه کول؛ځکه حقیقي کمال یوازې د خدای دی او د عصمت مقام هم یوازې په پیغمبرانو او د پیغمبر په اهلبیتو پورې ځانګړی دی،چې خدای له هر ډول چټلی پاک کړي دي.

[ژباړن: خوشحال بابا وایي:
سر حلقه د اولیاوو هغه شمېره
چې شیطان یې بند کړی په قفس دی]

3_په روزنه کي بریا،کمال ته له څومره نږدې کېدو څرګندېږي.

4_له کماله مراد هغه کمال دی،چې د خدای خوښ وي او په احکامو او آیتونو کي یې ټاکلی وي،نه هغه کمال،چې د فیلسوفانو خوښ وي.

5_ د روزني په تعریف کي مو وویل: ((هغه کمال،چې د خدای خوښ وي)) له دې توپېر لري،چې وواېو:((هغه کمال،چې خدای یې اراده کړي وي))؛ځکه که داسې وای؛نو ټول انسانان به کمال ته رسېدلي وو؛ځکه هر څه کېږي؛خو چې خدای یې اراده کړې وي؛خو له هغه سره توپېر لري،چې د خدای خوښ وي.د ساري په توګه: خدای خوښ دی ټول بندګان یې صالح وي؛خو ټول بندګان یې داسې نه دي .

د روزونکی په توګه د پیغمبر اکرم ځانګړنې

چا ته چې د روزني چارې ور تر غاړې وي؛نو باید په غوره ځانګړنو او خویونو سمبال شوی وي ،چې وکړای شي پر روزل کېدونکي اغېز پرې باسي او که داسې ځانګړنې ونه لري ؛نو د روزني پایلې یې له ماتې سره مخ کېږي . ډېرې مهمې ځانګړنې یې دادي:

1_لورنه :

روزونکی باید ډېر مهربان وي او سخت زړی د روزني وړتیا نه لري. د خدای استازی دومره مهربان و ،چې د ماشوم د ژړا د غږ له امله یې لمونځ لنداوه،چې له خپلې مور سره به د لمانځه په لیکه کي ولاړ و. په دې اړه د پاک نبي خادم حضرت "انس بن مالک" روایت کړی: ((پیغمبر اکرم به چې د کوم ماشوم غږ واورېد؛نو په لمانځه کې یې لنډ سورتونه ویل،چې لمونځ ژر پای ته ورسي. یوه ورځ وپوښتل شو: ولې مو نن لمونځ لنډ کړ؟ پیغمبراکرم خواب ورکړ: د یو ماشوم ژړا مې واورېده او وېرېدم،چې بې سده شي))وګورئ: (الاصفهاني ، اخلاق النبي،74 مخ)

د پاک نبي د مهرباني بله بېلګه،چې کله د "طایف" خلکو وخوراوه او دومره یې په ډبرو وایشت،چې غابښ یې هم شهید شو؛نو پرښتوه راغله او د خدای له استازي یې اجازه وغوښته چې د "ثقیف" ټبر هلاک کړي؛خو پیغمبر اکرم پرښتوې ته اجازه ور نه کړه او د عذاب پر ځای یې ورته د خیر دعا وکړه او یې وویل: ((کېدای شي داسې نسل ترې وزیږېږي،چې خدای ولمانځي.))

حضرت "انس بن مالک" وایي: ((داسې څوک مې و نه موند،چې تررسول اکرم پر خپلې کورنی خورا لورین وي)))

وګورئ: (صحیح مسلم،کتاب الفضایل؛ پرماشومانو د مهرباني باب))

او بیا وایي: ((که پیغمبر اکرم به په درېو ورځو کي خپل کوم ملګری ونه لید؛نو پوښتنه یې کوله؛که به ورته وویل شو،چې له مدیني بهر وتلی؛نو دعا یې ورته کوله او که په مدینه کي به و؛کتو ته یې ورته او که به ناروغ و؛پوښتني ته یې ته.))

وګورئ: بحارالانوار: ١٦/ ٢٣٣مخ .

2_ زغم:

زغم د هر روزونکي توښه ده او بې زغمه روزونکی هغه مسافر ته ورته دی، چې بې توښې پر سفر ووځي او داسې مسافر به یا هلاک شي او یا به له نیمې لارې راستون شي.

کله شاګرد د روزونکي پر مراد نه پوهېږي او یا د روزونکي د خبرو له تفسیره بېوس وي یا داچې روزونکی ډېرې هلې ځلې کوي؛خو مطلوب مراد ته نه رسي؛نو روزونکی باید په دې شرایطو کي صبر ولري او دې خبرې ته یې پام وي،چې د روزني طبیعت له ګړندی پایلې سره اړخ نه لګوي.

کله خو داسې هم پېښېږي،چې شاګرد له خپل روزونکي سره خانخبرې او ناخانخبرې دښمني کوي او یا یې خوروي؛نو په دې حال کي هم د روزونکي دنده صبر او زغم دی .

یوه ورځ یو ملګري وپوښت:((د خدای استازیه ! ایمان څه دی ؟))

رسول اکرم :((ایمان؛صبر او پراخې سینې ته وایي .))

ادامه لری

در وصف پیغمبر (ص)

بود در انجیل نام مصطفی
آن سر پیغمبران بحر صفا
بود ذکر حلیه‌ها و شکل او
بود ذکر غز و صوم و اکل او
طایفه نصرانیان بهر ثواب
چون رسیدندی بدان نام و خطاب
بوسه دادندی بدان نام شریف
رونهادندی بدان وصف لطیف
اندرین فتنه که گفتم آن گروه
ایمن از فتنه بُدند و از شکوه
ایمن از شر امیران و وزیر
در پناه نام احمد مستجیر
نسل ایشان نیز هم بسیار شد
نور احمد ناصر احمد یار شد
و آن گروه دیگر از نصرانیان
نام احمد داشتندی مستهان
مستهان و خوار گشتند از فتن
از وزیر شوم رای و شوم فن
مستهان و خوار گشتند آن فریق
گشته محروم از خود و شرط طریق
هم مخبط دینشان و حکمشان
از پی طومارهای کژ بیان
نام احمد چون چنین یاری کند
تا که نورش چون مددکاری کند
نام احمد چون حصاری شد حصین
تا چه باشد ذات آن روح الامین

مولانا

....

ای گزیده مر ترا از خلق ربّ العالمین
آفرین گوید همی بر جان پاکت آفرین
از برای این که ماه و آفتابت چاکرند
می‌طواف آرد شب و روز آسمان گرد زمین
خان تو بس با کمال و فضل تو بس با جمال
روی تو نور مبین و رأی تو حبل المتین
نقش نعل مرکب تو قبله‌ی روحانیان
خاک پای چاکرانت توتیای حور عین
مرگ با مهر تو باشد خوشتر از عمر ابد
زهر با یاد تو باشد خوشتر از ماء معین
بر تن و جان تو بادا آفرین از کردگار
جبرئیل از آسمان بر خلق تو کرد آفرین
این صفات و نعت آن مرد است کاندر آسمان
از برای طلعتش می‌تابد این شمس مبین

سنایی

افغانستان
در برابر یک تهدید جهانی!

تکساری

افغانستان نظر به موقعیت جغرافیایی خویش در گذشته و حال مورد تهاجم جهان گشایان و اشغالگران جهان قرار داشته است، که تهاجم آشکار آن اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی وقت در سال های پایانی قرن بیست می باشد. پایان جنگ سرد و خروج اتحاد شوروی از افغانستان میراث بدی را در این کشور به جا گذاشت و این اشغال به نوبهٔ خود اشغال های بعدی را نیز به دنبال داشته است.

بعد از پایان قرن بیستم یک سلسله میراث های نامیمون از استعمار قرن بیستم در روابط بین الملل در قارهٔ آسیا؛ به ویژه خاورمیانه، جنوب شرق آسیا به جا گذاشت و موانع جدی را در عرصهٔ توسعوی، امنیتی و اقتصادی در این کشورها به وجود آورد. استراتیژی های ناکام حاکم در منطقه موجبات تنش های سیاسی و امنیتی را در این مناطق به میان آورده است. یکی از این استراتیژی های ناکام در افغانستان است که حاکمان این کشور پس از جنگ سرد در این کشور اعمال نمودند. امریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق نیروی نظامی فرستاد و پس از مرگ صدام حسین و خروج امریکا از این کشور، عراق نه تنها بستر آرام برای گروه های تکفیری و افراطی گردید؛ بلکه ما شاهد فروپاشی نظام سیاسی در این کشور بوده ایم، مداخله در لیبیا نه تنها منجر به پایان رژیم گردید؛ بلکه ساختار های یک حکومت را ولو هرچند کوچک بوده است از میان برداشت و امروز در لیبیا هیچ گونه دولت و نظام سیاسی وجود ندارد. گروه های مختلف اسلامی و عشائر به جان هم افتاده اند و هر روز تعدادی کشته و زخمی می شوند.

جنگ داخلی در سوریه از چهار سال بدینسو ادامه دارد. تمام زیر ساخت های این کشور ویران شده و میلیون ها انسان مهاجر و تعداد کشته ها و زخمی ها بالاتر از میلیون تخمین زده می شود. در این کشور گروه های قومی و اقلیت های مذهبی مورد تهدید های جدی قرار گرفته است. جنگ داخلی در سوریه در حقیقت از سرگیری جنگ سرد در جهان می باشد، پس از جنگ سرد در جهان این نخستین بار است که شورای امنیت ملل متحد در مقابل هم روی مسئلهٔ سوریه قرار گرفتند که این اختلاف نظرها جنگ را در این کشور با چنین عمق خطرناک ادامه داده است. از خرابه های جنگ داخلی در سوریه، دولت اسلامی (I,S) در عراق و سوریه به وجود آمد. القاعده در شبه جزیرهٔ عرب در حال شکل گیری است؛ طوریکه القاعده کشورهای عربستان سعودی، یمن و مصر را تهدید می کند، همان گونه که شبکهٔ حقانی، شورای کویته طالبان، لشکر طیبه، جنبش اسلامی ترکستان شرقی، جنبش اسلامی ازبیکستان، تحریک طالبان پاکستان و بسیاری دیگر در سرزمین ما و پاکستان فعال می باشند. تعدادی از این گروه ها در کشور همسایه لانه نموده، در آنجا آموزش می بینند و به کشورهای دیگر، از جمله کشور ما حمله می کنند.

امروز کشورهای آسیای میانه از نفوذ القاعده در مناطق شان نگران اند. روسیه از نفوذ این گروه ها پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان نگرانی خود را پنهان نه نموده و این گروه ها را خطری در آسیای میانه و بر خلاف منافع ملی روسیه عنوان نموده است. روسیه نسبت به هر کشور دیگر از گسترش و نفوذ افراط گرایی در سرزمین های آسیای میانه نگران است. جریان افراط گرایی اسلامی در سرزمین های صورت می گیرد که این سرزمین ها دارای میراث تمدنی عظیم در حوزهٔ اسلامی بوده است. امروز عراق، سوریه، خاورمیانه، افغانستان، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی مورد هجوم افراط گرایی قرار گرفته اند و تعدادی از مسلمانان با شعارهای اسلامی کشته می شوند. این مشکل امروز از موارد بسیار مهم، در گفتمان های سیاسی این کشور ها قرار گرفته است.

امروز مسلمانان قربانی تفکرات افراطی مسلمانان دیگر می شوند و ما شاهد از بین رفتن تمدن اسلامی در کشورهای اسلامی می باشیم. تعدادی به این باور رسیده اند که افراط گرایی اسلامی ریشه در بافت های اجتماعی کشورهای اسلامی دارد، فقر، بی عدالتی، نبود حکومت های کارا و مدرن تهدید های بزرگی است که در جوامع اسلامی افراط گرایی را به وجود آورده است. یک چنین حرکت های ویرانگر از افریقا تا پاکستان و از اندونیزیا تا سرزمین های شام و عراق اعجم وجود دارد. نبود یک استراتیژی روشن و کارا سبب شده است که تعدادی از کشورها؛ به ویژه افغانستان قربانی افراط گرایی اسلامی گردند.

در مبارزه با دولت اسلامی (داعش) یک چنین سوء تعبیر و نبود یک برنامهٔ مشخص وجود داشته است. امریکا می خواست تا به وسیلهٔ گروه های افراطی حاکمان کشورهای خاورمیانه و عرب را از میان بردارد، که این خود بزرگ ترین اشتباه استراتیژیک غرب و امریکا در برابر این کشورها بوده است و این استراتیژی ناکام کار را تا بدینجا کشانیده است. باید بپذیریم که فقر، نبود عدالت، نبود حکومت مدرن و پاسخگو زمینه ساز افراط گرایی در کشورهای اسلامی بوده است.

در افغانستان قبل از آنکه در برابر افراط گرایی مقابله شود، جای دارد در جهت توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و آموزش و پرورش اقدامات جدی صورت گیرد. افغانستان از طریق اصلاحات سیاسی، اجتماعی و تامین عدالت اجتماعی به یک دولت قانونمند و مدرن تبدیل شده می تواند. حکومت های قومی و تباری نتیجه اش بی باوری عمومی و افراط گرایی مذهبی را موجب می گردد. امروز افراط گرایی به یک پدیدهٔ جهانی تبدیل شده است و کشورهای ضعیف و ناتوان و فاقد اقتصاد ملی و حکومت ملی دچار یک چنین سر خورده گی می گردند. در گام نخست باید دولت را از ضعف و ناتوانی نجات داد؛ زیرا ضعف و ناتوانی پدیده های نامیمونی چون افراطیت را به وجود می آورد و حکومت کارا و مدرن می تواند کشور را به سوی قانونیت سوق دهد و در آن صورت پدیده های منفی کاهش می یابد.

افراط گرایی جهانی هر روز و هر لحظه صلح و ثبات جهانی را تهدید می کند. مرکز این ماجرا های افراطی گاهی در افغانستان، مدتی در عراق و سوریه و زمانی در کشورهای افریقایی و آسیایی شکل می گیرد. این حرکت های افراطی مناطق کمتر رشد یافته را بیشتر مصاب می سازد. امروز افراط گرایی اسلامی کشورها و مناطق زیادی را تحت پوشش قرار داده و به مثابهٔ یک حرکت سیال موضع خویش را تغییر می دهد.

افغانستان امروز مرکز تهاجم افراط گراهای کشورهای اسلامی قرار گرفته است. از جنگ جویان چچین تا طالبان پاکستانی، عرب و ترکستان شرقی در این کشور حضور دارند و بار سنگین این نبرد را مردم افغانستان و جوانان غیور آن که در زیر چتر نیرو های نظامی عمل می کنند، به دوش می کشند.

افغانستان امروز به یک جنبش اصلاح طلبانه نیاز شدید دارد؛ طوریکه سایر کشورها به این نتیجه نیز رسیده اند. ما امروز در کشور خود عدالت اجتماعی، نظام قانونمند، رفاه اقتصادی، کار و برنامه های روشن می خواهیم، نه خلافت اسلامی از نوع داعش و نه سرزمین های تهی از حکومت و نظام سیاسی.

واکنش استاد عطامحمد نور به گزارش مجلهٔ اشپیگل آلمان

استاد عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ و رئیس اجرائیه جمعیت اسلامی افغانستان، گزارش نشریهٔ اشپیگل آلمان را به شدت محکوم و آن را رد نمود. در گزارشی که از سوی این نشریه چند روز پیش نشر شده بود، نام استاد عطا محمد نور در آن ذکر شده و گفته بود به دلیل اینکه، این رهبر قدرت مند محلی در قاچاق مواد مخدر دست دارد ناتو به دنبال حذف فیزیکی وی هستند. اما آقای نور طی یک نشست خبری در مزارشریف نسبت به نشر این گزارش واکنش نشان داده و گفته است که این گزارش به آبرو و حیثیت او لطمه وارد کرده است و از این بابت شکایت می کند.

آقای نور گفته است: در این مورد از مسوولان مجلهٔ اشپیگل و دولت آلمان توضیح خواهد خواست تا مشخص شود دلیل طرح چنین ادعا از سوی این مجله چه بوده است. روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته اشپیگل در گزارشی مسمی (فهرست اوباما: تاریخچهٔ مشکوک قتل‌های هدفمند در افغانستان)، ادعا کرده بود به اسناد محرمانهٔ سازمان ناتو دست یافته که نشان می‌دهد نیروهای خارجی حاضر در افغانستان فهرست بلندی از افرادی تهیه کرده بودند که باید مورد هدف قرار می‌گرفتند. این مجله نوشته است که علاوه بر شبه نظامیان مخالف دولت، نام شماری از قاچاقبران موادمخدر و همچنین افرادی که نیاز به جمع‌آوری اطلاعات در مورد آنها بوده، در این فهرست دیده می‌شود. اشپیگل از جمله به نام آقای نور اشاره می‌کند که در سال ۲۰۱۰ وارد این فهرست شده است.

اما سرپرست ولایت بلخ می گوید که اگر نام او به عنوان دشمن در فهرست افراد زیر پیگرد ناتو قرار گرفته و نیروهای خارجی به دنبال حذف فیزیکی او بوده اند، واضح است که ترور دیگر شخصیت‌های افغانستان که در سیزده سال گذشته کشته شده‌اند نیز کار خارجی‌ها بوده و دشمنان داخلی و طالبان در آن نقشی نداشته اند.

استاد عطا محمد نور در نشست خبری خاطر نشان ساخت که جنرال دیوید کمپبل، فرماندهٔ نیروهای ناتو در افغانستان، در گفتگو با عبدالله عبدالله رئیس اجراییهٔ حکومت وحدت ملی تاکید کرده که قرار گرفتن نام افراد در این فهرست، الزاماً به این معنی نیست که ناتو در صدد حذف فیزیکی آنها بوده باشد. آقای نور در این کنفرانس خبری بیان داشت که او متحد سیزده سالهٔ جامعهٔ جهانی در جنگ علیه تروریزم بوده است.

آغاز سال مالی و عدم تصویب بودجهٔ ملی ۱۳۹۴

عنایت

درحالی که از سال نو مالی نزدیک به یک ماه گذشته، هنوز مجلس نمایندگان موفق نشده است تا بودجه را به تصویب برساند. این در حالیست که عدم تصویب بودجه مشکلات مالی و اداری را در سراسر کشور به بار آورده است. این که چرا این بودجه به تصویب نرسیده است، مسوولان نهادی های مدنی و آگاهان امور اقتصادی به این باور اند که بودجهٔ سال ۱۳۹۴هجری خورشیدی غیر متوازن و غیرعادلانه است و این بودجه باید بازنگری شود و رضایت مردم فراهم گردد.

به باور آگاهان امور اگر بودجهٔ سال آینده به زودترین فرصت به تصویب نرسد، باعث کندی کار تمام پروژه‌های توسعوی خواهد شد. درهمین کمیسیون مالی و بودجهٔ مجلس نماینده‌گان می‌گویند که مجلس نسبت به بودجهٔ سال ۱۳۹۴ هجری خورشیدی خوشبین نیست.

اکبر استانکزی عضو کمیسیون مالی و بودجهٔ مجلس نمایندگان اظهار داشت: در سال گذشته نیز ما در بودجه پول نداشتیم تا پروژه‌های توسعوی نیمه کاره را تکمیل کنیم. ما امسال نیز نسبت به بودجه خوش‌بین نیستیم. از سویی هم عبدالقادر جیلانی سخنگوی وزارت مالیه با رد ادعاهای غیر متوازن بودن بودجهٔ سال آینده می‌گوید که، بودجهٔ سال آینده متوزان، اقتصادی، شفاف و بربنیاد منافع ملی کشور ساخته شده است.

سید مسعود استاد اقتصاد در دانشگاه کابل در این باره معتقد است: عدم تصویب بودجه باورمندی مردم را خراب می‌کند و از جانب دیگر تأثیرات ناگوار اقتصادی را به بار خواهد آورد."

۲۰ روز قبل طرح بودجهٔ ۱۳۹۴ به دلیل عدم متوازن بودن از سوی مجلس نمایندگان رد شد و از مدتی بدینسو در مجلس سنا به سر می برد و بدون رد و تأیید در بلاتکلیفی قرار دارد. براساس قانون اساسی، مجلس سنا پانزده روز فرصت دارد، تا طرح بودجه را ارزیابی کند و در صورت تأیید مجلس سنا، این طرح به مجلس نمایندگان فرستاده می‌شود. معلوم نیست که مجلس نمایندگان راجع به طرح بودجهٔ سال آینده چه دیدگاه‌ها و نظریات جدید ارائه خواهند کرد. اما مشخص است که بحث توازن در طرح بودجهٔ ملی در سال‌های گذشته همواره بحث برانگیز بوده و به همین دلیل در گذشته از سوی این نهاد رد شده است. اکنون که تصویب بودجهٔ ملی در دستور کار هر دو اتاق قرار دارد خواست مردم از آن ها این است که در قسمت توازن بودجه دقت لازم را به خرچ داده و توجه بیشتر به مناطق کمتر توسعه یافته نمایند.

طرح بودجهٔ در حالی به شورای ملی فرستاده شده است که افغانستان در سال پیش‌رو طبق پیش بینی های وزارت مالیه با کسر ۱۵.۴ میلیارد افغانی مواجه خواهد بود. حالا که با کسر بودجه در کشور مواجه هستیم، بر حکومت افغانستان لازم است تا در مورد اجرای معاشات بلند بالای برخی از کارمندان و مشاوران حکومتی تجدید نظر نماید. در عین حال چنانی‌که دیده شده است، اکثریت نهادهای دولتی هزینه های گزافی را همه ساله مصرف خرید اشیا و لوازم غیر ضروری، مانند خرید مبل و فرنیچر و اشیای تزینی در دفاتر می نمایند که باید در سال پیش رو از آن به منظور صرفه جویی جلوگیری شود.

درعین حال برخی دولت مردان افغانستان از سفرهای غیر ضروری و از به کار گرفتن کرایهٔ هوتل های مجلل طی سفرها و همچنان گرفتن سفر خرچی های وحشتناک و غیره ... جلوگیری نمایند. ادارهٔ امور نهادی مربوط به ریاست جمهوری با نشر خبرنامهٔ گفته است، که حکومت وحدت ملی در حالیکه هنوز برسر معرفی اعضای کابینه توافق نکرده اند، در آزمون بزرگ و خطرناک سیاسی و اقتصادی قرار دارد. در صورتی‌که بتواند از بن‌بست سیاسی مؤفقانه بدر آیند، باید در تقویت سکتور اقتصاد و پروژه های که عواید ملی را تقویت می کند سعی و تلاش نمایند. حکومت وحدت ملی از طریق تقویت عواید ملی و در آمد سرانهٔ شهروندان، بودجهٔ ملی را تقویت نماید، تا در سال های آینده با کسر بودجه مواجه نشویم.

حکومت طی ۱۳ سال گذشته نتوانست بودجهٔ ملی خود را به طور درست به مصرف برساند. اکثریت وزارت خانه ها تا پایان سال مالی۳۰ الی۴۰ درصد بودجه خود را نمی توانستند به مصرف برساندند. توقع داریم حکومت وحدت ملی با پشت کار بیشتر بتواند در تطبیق بودجه ها بالای پروژه های زیر بنایی مانند، آموزش و پرورش، تحصیلات عالی، جاده سازی، ارائهٔ خدمات بهداشتی، انرژی و آب، رشد کشاورزی و دام داری... بتواند مصدر خدمت بیشتر به مردم نیازمند این مرزبوم شوند.

مجموع بودجهٔ ملی سال مالی ۱۳۹۴ بیش از ۴۶۰ میلیارد افغانی پیش بینی شده است که از این میان بیش از ۲۷۸ میلیارد افغانی آن را بودجه عادی و بیش از ۱۸۲ میلیارد آن بودجه توسعوی تشکیل می‌دهد.

به مناسبت سالروز میلاد النبی صلی الله علیه وسلم

نوشتهٔ: استاد کوهی

ستاره یی بدرخشید و ماه مجلس شد

(هیچ یک از شما مومن شمرده نمی شود، تا آنکه من برایش از جان و از همه کسان او محبوب تر گردم)

(از سخنان پیامبر ص بزرگ اسلام)

در قرآنکریم زنده گی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم اسوهٔ حسنه و الگوی نکویی خوانده شده است. به خاطر دست یابی به سعادت هردو جهان باید مسلمانان از این الگو پیروی نمایند. شناخت اسلام در پرتو مطالعه و سیرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم برای ما میسر می گردد. سیرت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم برای دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان برای شناخت اسلام و آگاهی از اسلام همواره مورد توجه بوده است.

تدوین علوم اسلامی با ضبط و تدوین سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم آغاز گردیده است. ابن اسحاق (متوفای ۱۵۱ هجری قمری) نخستین کسی است که به طور مستقلانه به سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم پرداخت و از همان تاریخ تا اکنون همواره دانشمندان مسلمان نظر به نیازمندی های فرهنگی و اجتماعی از این چشمه پر زلال و فنا نا پذیر به پژوهش پرداخته اند. ولادت پیامبر صلی الله علیه وسلم به روایات متعدد و موثق روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال فیل مطابق ۲۰ اپریل ۵۷۰ م می باشد.

می گویند که در شب ولادتش بت های مکه سرنگون گردید، ایوان کسرا شکست و آتشکدهٔ فارس خاموش گردید. تعبیر و تفسیر این داستان هرچه بوده باشد، نتیجه اش این است که از فیض وجود و برکت آن حضرت صلی الله علیه وسلم بازار بت پرستی از رونق افتاد و بت پرستی در سراسر قلمرو عربستان از میان برده شد. کاخ های استبداد کیاسیره و اکاسیره سرنگون شد، بازار آتش پرستی مردود و بی ارزش گردید. پیامبر صلی الله علیه وسلم با عظمت به دنیا آمد، با عظمت زیست و با عظمت از این دنیا رحلت نمود. طفولیت اش به پاکی، جوانی اش به عفت و پیری اش به اندرز و نصیحت و سرانجام تمام عمرش به اعلای کلمهٔ الله و خدمت به خلق الله سپری گردید. غایه و هدفش روشن بود، پلان و نقشهٔ کارش بر کسی پوشیده و پنهان نبود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم انقلاب بزرگی را در فکر و اندیشهٔ مردم بوجود آورد؛ طوریکه وی بنیان گذار عدالت اجتماعی، اقتصادی و موسس مبادی حریت و مساوات است و بر امتیازات طبقاتی و نژادی خط بطلان کشید و میعار فضیلت و برتری را لیاقت و کفایت شخصی، تقواء و نکو کاری قرار داد. پیامبر صلی الله علیه وسلم به صراحت اعلان داشت که: عربی بر عجمی، سفید پوست بر سیاه پوست، زرد پوستان بر سرخ پوستان فضیلت و برتری ندارند، مگر به تقوا، همه مردم اولاد آدم اند و آدم از خاک. سیرت و زنده گی محمد صلی الله علیه وسلم سرگذشت شخصیتی است که خود به صلاح و فلاح آراسته و پیراسته بود و جز تامین مبانی عدالت و اصلاح کردار و پندار مردم در تنظیم عادلانهٔ شئون اسلامی و تنظیم روابط ذات البینی مردم غایه و هدفی دیگری نداشت.

پیامبر صلی الله علیه وسلم از روز اول ولادت به حکم (ادبنی ربی فاحسن تادیبی) پروردگارم ادب آموخت و بس نیکو آموخت. در مدرسهٔ ملکوتی تربیه شده بود. در طفلی و جوانی مورد لطف و عنایت خداوندی بود، از آن رو زنده گی دورهٔ طفولیت و جوانی اش نیز قابل پند، عبرت و شایسته تأسی و پیروی است و هر کس اطفال خود را به چنین سیرت تربیه نماید و جوانان آن را مورد سر مشق زنده گی خود قرار دهند، به انسان های رشید و با کمال تبدیل خواهند شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در شرایطی به رسالت و به پیام وحی پرداخت که عرب جاهلی بت های شاختهٔ دست خود را می پرستیدند، هوا و کواکب را متصرفین جهان می پنداشتند. در بت پرستی چنان غلو نموده بودند که خانهٔ خدا (مکه) را مملو از بت ها ساخته بودند و ۳۶۰ بت را در آن جابجا نموده بودند که بزرگ ترین آنها از حیث مرتبت (هبل، لات و عزی) بود. بعد از بعثت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، ظرف سه سال اسلام را به صورت پنهانی انتشار می داد و فشار کفار قریش پیامبر صلی الله علیه وسلم را مانع از آشکار نمودن آن می نمود و پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه وسلم دعوت خود را در کوه صفا آشکار ساخت، در حقیقت آغاز انقلاب فکری و عقیدوی وی به شمار می رود. این حرکت تکانهٔ بزرگی بود که بت پرستان را در سراسر شبه جزیره العرب به شور آورد و آوازهٔ دین جدید محمد صلی الله علیه وسلم سراسر جزیره را فرا گرفت و همه از دین جدید سخن می گفتند و از محمد و رسالت وی.

روزی کفار قریش محمد صلی الله علیه وسلم را به دارالندوه دعوت کردند و برایش گفتند: چرا به دین پدران ما پشت پا زدی و آن را مردود دانستی؟ اگر منظورت مال دنیا است، آنقدر برایت فراهم آوریم که از همهٔ ما غنی تر گردی و چیزهای دیگری از این قبیل برایش پیشنهاد نمودند، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم در برابر این همه خواسته های آنها چنین گفت: نه از شما مال می خواهم و نه جاه و جلال، من فرستادهٔ خداوند هستم تا برای شما مژده وحی را برسانم. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه تمام زجرها و مصائب کفار قریش را تحمل نمود، تا اینکه بهترین مکان برای دعوتش مدینه را تشخیص داد و نظر به دعوت مردم به تاریخ ۱۲ ربیع الاول و به روز دوشنبه ۶۲۲ میلادی به مدینه هجرت نمود و رسالت خود را در مدینه گسترش و انکشاف داد و مسجد قبا را به دست خود درست کرد و این نخستین مسجد است که در اسلام بنا شده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم به همان پیمانه که در مکه با بغض و عداوت، استهزاء، تمسخر و سرکشی مواجه گردید، در مدینه با محبت و دوستی، اعزام و اکرام مواجه شد و پایه های حکومت اسلامی را در مدینه اساس گذاشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه رهبر دینی و مذهبی بود و در مدینه رهبر سیاسی و نظامی نیز گردید. در مکه به صورت غیر منظم و انفرادی تبلیغ می کرد و در مدینه به صورت منظم و دسته جمعی برنامه های ایجاد حکومت اسلامی را رویدست گرفت و به فتوحات و غزوات خود پرداخت و دامنهٔ اسلام را در جزیره العرب و اطراف آن گسترش داد. پیامبر صلی الله علیه وسلم پایه های حکومت خویش را بر چهار اصل استوار نمود که با هر عصر و زمان قابل قبول می باشد.

اخوت: اخوات میان مهاجر و انصار و امت مسلمه به دست پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بوجود آمد. طوریکه قرآنکریم می فرماید: ترجمه (جزء این نیست که مومنان برادر یکدیگر اند) و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هم می فرماید: ترجمه (یعنی مسلمان برادر مسلمان است که بر وی ظلم نمی کند و نه او را به ظلم تسلیم می دارد) و این رابطه اخوت و برادری در اسلام از همه چیز برتری داشته است، حتا از: عشیره، قبیله و خانواده.

تضامن اجتماعی: تضامن اجتماعی یکی از لوازم اخوت اسلامی شناخته می شود، یعنی ایجاد شعور مسوولیت مشترک در میان مسلمانان که یکی را در زمان مصیبت و تنگدستی یاری رساند، که این خود موجب استحکام بنای جامعهٔ اسلامی می گردد و قوام مسلمانان و کشورهای اسلامی بستگی به همین همبستگی اسلامی دارد و خداوند به کسانیکه چنین اعمال را انجام می دهند، به نام های گوناگون؛ چون: احسان، ذکات، صدقه، حق و انفاق در راه خدا (ج) و اجر های زیاد به عاملین و مسببین آن وعده داده شده است و خداوند (ج) ثروتمندان را به ادای این وظیفهٔ اسلامی و انسانی ترغیب می نماید که در برابر یک خیر هفتصد چند و بیشتر از آن مزد می دهد.

شورا: اصل شورا شأنی از شئون مسلمانان دانسته می شود و خداوند (ج) فرموده است: و امرهم شوری بینهم. خداوند (ج) پیغمبر صلی الله علیه وسلم را به مشوره با اصحاب خود مامور فرموده است و چنین هدایت می دهد (و شاورهم فی الامر) یعنی با اصحاب خود مشوره کن.

عدل: این اصل از همه ضروری دانسته شده و نظام اسلام به آن استوار می باشد و آنچه در شریعت اسلامی اصل است، همان عدالت و تقواء است نه قدرت و صلاحیت های مادی و فزیکی و خداوند (ج) می فرماید: ترجمه (خداوند به عدل و احسان امر می کند). پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بر این چهار اصل کاخ جامعهٔ اسلامی را بناء نهاد. در کشورهای و جوامع اسلامی وقتی این چهار اصل رعایت گردد، بدون شک آن جامعه دارای برتری فراوان نسبت به سایر جوامع انسانی خواهد بود و نبود این اصول اسلامی امروز از کمبود های جوامع و کشورهای اسلامی است. وقتی به این اصول اعتناء و اهتمام صورت گیرد، جامعهٔ اسلامی قوام و ثبات پیدا می نماید.

حادثهٔ غم انگیز هلمند را تقبیح می کنیم



حملهٔ موشکی به مراسم عروسی در شب چهارشنبهٔ گذشته در منطقهٔ ولسوالی سنگین ولایت هلمند صورت گرفت، با کمال تأسف حدود ۷۰ نفر از حاضران مراسم عروسی که بیشتر شان کودکان و زنان بودند، کشته و زخمی شدند. این حمله درست زمانی صورت گرفت که شرکت کننده گان در حال برپایی جشن خوشی عزیزان خود بودند.

در مورد اینکه این موشک از سوی کدام گروه پرتاب شده اظهارات متناقض می باشد اما برخی ها گفته اند که این حملهٔ کور از سوی طالبان صورت گرفته و برخی ها نیز به این باور هستند که این حمله از سوی نیروهای امنیتی افغانستان صورت گرفته است. این گونه حمله از سوی هر جناحی که باشد، برای ما قابل قبول نیست و آن را به شدید ترین الفاظ نکوهش و محکوم می کنیم. جمعیت اسلامی افغانستان خواهان پی گیری قضیه می باشد تا عاملان آن، مطابق قوانین نافذهٔ کشور دستگیر و محاکمه شوند. درحالیکه این گونه حملات کور باعث شهادت تعدادی از هموطنان ما در هلمند و جاهای دیگر شده است، ضمن تقبیح نمودن، به شهدای عزیز جنت فردوس و به زخمی شده گان شفای عاجل از بارگاه احدیت می خواهیم.

ترکیه د سیمه ایزو او نړیوالو ګوابنونو په وړاندې



ن ــ شفیق

ترکیه د اسلامي نړۍ هغه هیواد دی چې کم څه کم یوه پېړۍ یې د مصطفی کمال اتاتورک په پېروۍ کې ګڼو سیکولرو رهبرانو . لکه: تورګت اوزال ، سیلمان ډیمرل ، مادام چیلر او ... د اروپایي کلتور او پرمختګ خوبونه لیدل ، خو کارغه د زرکي تګ کاوه خپل یې هېر کړ . قصه پرې وشوه ؛ ځکه اروپائیانو پرې خپلې شیدې را پرېښبودلې او د اسلامي نړۍ سره لړلی مقام یې له لاسه ورکړ ؛ ولې چې اتاتورک چې ترکیه د اسلامي نړۍ له لاربنودۍ څخه لویدیځ پېروۍ ته سوق کړې وه، امت ورڅخه هم فاصله ونېوله ؛ صفوي ایرانیانو او د سعود کورنۍ عربي واکمنانو هم د قوم پرستۍ په بتانو د سوریدو لامله ترکیه د ترکتبارۍ نشې ته پرېښبوده او اتاتورک او د هغه مریدانو د لویدیځ په ډول نڅا د ځان لپاره ویاړ وګاڼه.

مګریوازې هغه مهال د ترکیې خلکو د اقتصادي ودې نښې نښانې ولېدې چې کله له نن څخه دوه لسیزې مخکښې د نجم الدین اربکان په څېر اسلامپال لاربنود یې د صدراعظمۍ څوکۍ ته لیار وموندله خو هغه مهال ، په ترکي پوځ کې د سیکولرو برلاسۍ هغه خپل پروګرام ته پرېښبوده او حکومت یې د لویدیځ په اشاره له مینځه ولاړه او ګوندیې څو ځله له سیاسي فعالیت څخه لکه د الاخوان المسلمون په څېر ممنوع اعلان شو. مګر د مشرانو سیاسي بصیرت او درایت یې دا وو چې په نوي نوم به یې ګوند اعلان کړ او په ټاکنو کې به یې ګډون کولو (څمونږ په هیواد کې د یو شمېر ناپوهو اصلاح ګرانو په څېر نه ، چې په ټاکنو کې د تحریم لامله یې په ناشعوري توګه د افغانستان ولسي جرګه د اسلامپالو له فعال ګډون څخه بې برخې کړه او نن یې له برکته امنیتي تړون ته په ویاړ رایه ورکول کیږي) ؛ په ترکیه کې د اسلامپالو لخوا د رفاه ، فضیلت او سعادت په نومونو د بندیز وروسته د عدالت او ترقۍ نوم وکارول شو او داخل د طیب اردوغان په څېر اسلامپال او د سیاسي بصیرت او اسلامي درایت څخه برخمن لاربنود د ترکي خلکو خپل ولسمشر وټاکه ؛ چې لومړی یې په پوځي کړیو کې سیکولر تخمونه شنډ کړل او اوس یې د ترکیې د اقتصادي ودې لپاره متې رانغاړلې دي. خو د سیمه ایز ګوابنونو څخه د مسعود بارزاني بیلتون خوښي کردي خوځښت سره یې لومړی د مصالحې لیار ونېوله او هغه مغرضانه تخم یې بېکاره کړ چې لویدیځ او امریکا ورڅخه غوښتل غټ نیالګی جوړ کړی ، مګر لویدیځ چې کله د اردوغان سیاسي بصیرت ډېر فعال ولیده نو د نوي تخم کرل پیل شول ؛ په سیمه کې د عراق او سوریې په خاوره کې د داعش په نوم یو داسې حرکت را وټوکول شو چې له یوې خوا په سیمه کې د امریکا دښمن ایران ته ګوابن اوسي ؛ ځکه داعش د تسنن په بنیاد رامنیځته شوی داسې یو غورځنګ دی چې د تشیع لید لوري او زیدیه ډلې مخالف دی او له بلې خوا د خپل افراطي فکر په کارولو سره غواړي د هغه حقې مبارزې د ځای ناستې په توګه مطرح شي چې په سوریه کې د بعثي رژیم پرخلاف یې درې کلونه جګړه پر مخ بیولې ده او تر یو نیم لک انسانانو پورې یې قربانۍ ورکړې دي خو لویدیځ او امریکا ته یې د اسد ځای نیونه د منلو وړ نه وه.

او هم یې تر شا بل هدف ترکیه په امتحان کې غورځول وو؛ چې د سوریې په پوله. له ترکیې سره سرحدي ښار (کوباني) کې ورسره د ترکیې دولت په جګړه کې داسې ښکېل کړي څو ګټه یې د عراق په درې اړخېزه دولت کې هغو دوه وو لوریو ته ورسیږي چې د نوري المالکي په واکمنۍ کې یې د کردي او شیعه عراقونو خوبونه لیدل خو د العبادي په واکمنۍ کې یې د فدرال تر بریده خوب تحقق وموندله؛ چې یوه نیمه میاشت وړاندې کردي سیمو ته څو سلنه عایدات قانوني حق وګڼل شو.

نو پداسې شرایطو کې د امریکا او لویدیځ سره د ترکیې په نړیوال سیاست کې د امریکا د یو استرتیژیک دوست په توګه سیاسي لوبه کې برخه لرلو ، ترکیه دې ته اړکړیوه چې د داعش په خلاف جګړې ته ورکړې بلنې ته مطلق منفي ځواب ورنکړي؛ ځکه د داعش د ناکامۍ په صورت کې په ترکیه په خپل لاس خپل هغه سیمه ایز ګوابن نور هم چاغ کړي چې د پراخه کردستان خوب ویني خو نن د لویدیځ په لوموکې لویدلی دی. نه داچې د « آیوبي » له نسل څخه دی. او له بلې خوا ترکیه د سیمې په سیاست کې د امهال د امریکا پېروي کوونکو عربي واکمنانو پرځای، د خپل هغه اسلامپال لید لوري سیاست پرمخ بېولو سره، چې د فلسطینانو د حقې داعیې څخه د دفاع په لړکې یې د سویس په ښار کې د اسرائیلي صدراعظم پوزه په خاورو کړه، ددې حق لري چې په سیمه ایز سیاست کې د هغه تشیع لید لورې مخه ډب کړي، چې د تسنن دښمنۍ بت ورڅخه د بشارالاسد په څېر یوې کرغیړنې بعثي څېرې ته په یوویشتمه پېړۍ کې هم د واکمنۍ حق ورکوي. نو که له داعش سره له مقابلې څخه یې سوچه انکار کړی واې ، ښایي هغه تجهیزات چې د مسعود بارزاني ډلګۍ او پیش مرګه ځواکونو د داعش یا تسنن لورې د ځپلو لپاره امریکا ورکړي دي د ترکیې پرخلاف بې مخه کړې واې.

نو ځکه د اردوغان سیاست د سیاسي بصیرت هغه عملي بیلګه ده چې تر اوسه پکې په مؤفقیت سره په مخ درومي، چې لومړی یې خپل څه د پاسه دېرش ترکي وګړي را خلاص کړای شو او اوس د یو حکیمانه سیاست په وسیله غواړي نړیوالو او هم سیمه ایزو ګوابنونو (تشیع او کردي تفوق طلبۍ) مخه ونیسي او هم له امریکا سره په موازې توګه تګ سیاست کې د پراخه اسلامي اقتصادي بلاک جوړولو په لړکې لومړی ځان د نړۍ په سطح لسم اقتصادي قوت وګرځوي او هم څمونږ په سیمه کې د درست سیاست په لوبولو سره خپل عثماني فطانت را ژوندی کړی . چې افغانان او ټوله اسلامي نړۍ یې ورته په پام کې لري.

بعد از تجاوز ۶ جدی...

جمهوریت شاهانه داوود خان مبدل ساخت زیرا سران هردو نظام این نعره ها را دشمن خویش می پنداشتند و مسلمانان را مخالف اصلی خود می دانستند. این نظام ها از کمونیست ها کاملاً خاطر جمع بودند زیرا رهبران کمونیست نیز با این نظام ها پیوند داشتند و ابر قدرت جهانخوار سرخ وقت نیز به نظام ها اطمینان می داد که از طرف کمونیست ها خطری متوجه آن ها نیست.

تره کی در نظام شاهی دست پادشاه را حین برگشت از شوروی در میدان هوایی بوسیده بود و کارمل در شورا ازدیاد بودجهٔ سلطنتی صحبت و از آن دفاع کرده بود! این واقعیت هایی است که عکس ها و نوشته های مستند آن را همگان دیده اند و غیر قابل انکار است!

اما در عمل کمونیست ها به هیچ فرد و هیچ نظامی احترام نداشتند بلکه، در فکر توطئه و بر اندازی بودند و حتی در نظام یک حزبی دیکتاتوری ضد مردمی خلقی و پرچمی نیز پرچمی و خلقی ها عاملت شوروی همان وقت به جرم کودتا و براندازی دستگیر و اعدام می و ...

سرانجام فریاد الله اکبر مجاهدین افغانستان در سالهای جهاد چنان کوبنده بود که وارد آهنگ های رزمی روسها شد و بیانگر قوت و عظمت جهاد و فرار متجاوزین از کشور گردید.

همه چیز پشت سر واژهٔ ...

و اعمال رئیس جمهور است. از سوی دیگر مشکل افغانستان فقط با برکناری مرفوع نمی گردد؛ بلکه راه حل ادارهٔ سالم، استراتیژی روشن و سپردن کار به اهل کار می باشد. شعار دادن و عمل نه نمودن از میراث حکومت های گذشته ماست. امروز جنگ، نا امنی و بی تفاوتی در مورد سرنوشت حال و آیندهٔ افغانستان مردم را به ستوه آورده و چنین کرختی، نه تنها مردم افغانستان بل جامعهٔ جهانی را نیز ... ساخته است.

اگر وضع چنین ادامه نماید بدون شک کشور های کمک کننده پروژه های مهم و زیر بنایی را تمویل نخواهد کرد و کشور های کمک کننده منتظر یک حرکت و پویایی در حکومت وحدت ملی می باشند. نمی شود با یک چنین کم کاری با عوامل فساد مبارزه کرد، حکومت داری سالم را بوجود آورد و جامعهٔ جهانی را راضی نگه داشت. تداوم این وضع دیگر به نفع کشور نبوده و شگاف های عمیق ملی را بوجود خواهد آورد.

مردم انتظار داشتند که دولت ظرف سه ماه برنامه های اقتصادی امنیتی و اجتماعی خود را طرح و تدوین نماید، تا در روشنی آن مردم امیدوار گردند. رئیس جمهور در زمان کمپاین های انتخاباتی خویش طرف مقابل را متهم می نمود که دارای برنامه اقتصادی و اجتماعی نیست، وی دارای برنامه های بزرگ و طرف مقابل دارای شبنامه می باشد. طی این ماه های اخیر معلوم گردید که رئیس جمهور در این خصوص کوتاه آمده است. امروز ده های هزار جوان که از موسسات تحصیلات عالی سند فراغت بدست دارند و در شهر شش میلیونی کابل سی صد هزار آن معتاد اند، این دولت با بی تفاوتی امروز را فردا می نماید و وقت را ضایع می سازد تا دستی از غیب آید و کاری بکند، در حالی که بزرگترین تهدید برای دولت فقر، تهی دستی، نبود امنیت و اشتغال است. توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی بستگی به امنیت و ثبات سیاسی دارد.

بعد از امنیت بی کاری و فقر بزرگترین تهدید در برابر امنیت اجتماعی است و بدون اشتغال و کار، توسعهٔ پایدار در شهر ها و روستا ها بوجود آمده نمی تواند. دولت وحدت ملی هنوز در خم کوچه اول قرار دارد. کار امروز را به فردا گذاشتن در حقیقت آهن سرد کوبیدن است. اگر کشور در فصل سرما معروض به حوادث طبیعی گردد، چیزی که هر سال رخ می دهد، دولت وحدت ملی توان مبارزه با آن را در چنین شرایط ناگوار نخواهد داشت.

در جلسات شورای وزیران موضوع مورد بحث وجود ندارد. همه چیز پشت سر واژهٔ کابینه قرار گرفته و مردم منتظر تخم رنگین از این مرغ زرین می باشند. این احتمال وجود دارد که مشکلات دیگری به مشکلات موجود کشور افزوده شود، در آنصورت دولت توانایی مدیریت بحران را نخواهد داشت.

له دانګام وروسته په ...

د هیواد پولې ګوابني او چې چېرې کوم ځای شتون هم لري، هلته بیا ورته لازم امکانات؛ البسه او تنخواګانې هم نه رسیږي او ځینو یې چې نږدې نهه.

لس کاله په صداقت سره دنده ترسره کړې وې، هغوی ته مطلوبه ارتقاء هم نه ورکول کیږي: پدې لړکې د مرغومی د شپږمې نیټې (چهارشنبې ورځ) د آزادۍ راډیو په سهارني خپرونه کې د خپاره شوو پیغامونو نږدې پنځه ویشت پیغامونو څخه اتلس پیغامونه یوازې په ملي اردو کې د بې تفاوتۍ او قوم پرستیو پورې اړوند پیغامونه د څه پیغام لري چې هر یو د خپل مسوول یا په ټوله کې د دولت دبې تفاوتۍ او بې عدالتۍ څخه شکایت کوي؟!

د عبدالله په نوم د یو تن صاحب منصب پیغام داسې جوتوله چې نهه کاله یې خدمت کړی او ورته ترفیع نه ورکولی کیږي او تعینات ټول په قومي بنیادونو ولاړ دي او داسې نور. نو چې کله د دولت داسې حال اوسي، آیا د ملي اردو ځوانان به په خپلو لیکو کې پاتې شي؟! او یو بل پیغام بیا پدې هکله د یادونې وړ دی چې په هلمند او کندهار کې د بهرنیو ځواکونو لخوا پرېښودل شوي تجهیزات او لازم توکي د دوې د مشرانو لخوا د ډالرو په قیمت په کلدارو وپلورل شو خو دولت یې پوښتنه نکوي؛ لږ ترلږه دې د ملي اردو مسوولین او ټوله کې دغه مات ګوډ دولت یوازې د یادې شوې نیټې سهارمهال د پیغامونو پروګرام واوري چې څمونږ په امنیتي ارګانونو کې څه روان دي او د هیواد پولې او د دانګام په څېر سیمو کې مو ولس د څه سره مخ دی؟! او دا چې په نورګل د ډیل شوی طالبانو برید وروسته به د ناړې یا کومې پلې ولسوالۍ وار وي؟! باید چې امنیتي ارګانونه یې په اړه له مخکې څخه تیاري ولري

هفته نامۀ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا

دور ششم –سال سیزدهم – شمارۀ ۳۶ ۱۴جدی ۱۳۹۳ ۱۳ ربیع الاول ۱۴۳۶ 4 Janury 2015

له دانگام وروسته په نورگل برید؛ او تر شايي موخې



رفيق بحر

دانگام د کنړ د ځينو نورو ولسواليو، لکه: اسمار او شيگل په څېر يوه غرنۍ او سرحدي ولسوالي ده، چې د درېو اونېو راهيسې پکې د دولت وسله والو مخالفينو (طالبانو) د ولسي خلکو د ځپلو په نيت بريد پيل کړی وو؛ څو په راتلونکي کې بل څوک د افغان دولت په ملاتړ کې پاڅون ترسره نکړي. د دغه بريد ځواب ته که څه هم افغان امنيتي ارگانونه څو ورځې وروسته ورسيدل او د دوی له رسيدو د مخه يې د سيمې د خلکو کورونه سوځولي او خلک يې يرغمال کړي وو، خو دا مهال يې د طالبانو بريد د هيلوکپترو په وسيله د بمبار په مرسته په شاکړی دی او اوس يوازی له «دوبندو» څخه نېولی تر «شينکي» سيمې پورې، چې لوړه او غرنۍ سيمه ده، جگړه روانه ده او تر دې د مخه د آيوب او زمان باندړو پورې سيمې يې نيولې وې.

د جگړې له سيمې څخه تر دا مهاله نهه سوه کورنۍ راوتې دي او ځينې نورې لا تر اوسه هم هماغسې بندې پاتې دي. را کوچ شوو خلکو ته د «يو اين ايچ سی آر» او کنړ ولايت چارواکو په گډه همکارۍ يو څه مرستې رسيدلې دي او تر دې د مخه له ځايي دولت سره له پخوا څخه پرتې مرستې ورته ويشل شوې وې، چې پدې لړکې د حبيب گلزار شرکت مرستې هم د يادونې وړ دي او همدارنگه په جلال آباد ښار کې د پوهنتون محصلينو لخوا ورته د مرستو را ټولو په نيت کمپاين شروع شوی دی.

د دانگام غمېزې لا پای ندی موندلی چې ورسره سم تېره سه شنبه د نورگل په هواره ولسوالۍ کې هم، د هغو ولسي خلکو پرخلاف پدې ولسوالۍ کې د دولت مخالفينو طالبانو لخوا بريدونه پيل شويدي چې د دولت په ملاتړ کې يې پاڅونونه ترسره کړی وو او اوس دا وېره موجوده ده چې ښايي ورته عمل په ناړۍ ولسوالۍ کې هم ترسره شي؛ ځکه هلته هم ځايي خلکو د دولت په ملاتر د طالبانو پرخلاف پاڅونونه ترسره کړي وو.

خو ددې تر څنگه يو بل ټکی چې ددې ولسواليو تر مينځه د اشتراک نقطه ده، هغه دا هم ده، چې دغه گردواړه ولسوالۍ د کنړ سيند څخه ختيځ لورې ته د ډيورنډ ليکې تر صفرې نقطې پورې موقعيت لرونکې ولسوالۍ دي او غالب گمان کيږي چې پاکستاني پوځ غواړي د کنړ سيند پورې د افغانستان په قلمرو کې پرتې ټولې داسې ولسوالۍ لومړی نا امنه کړي؛ څو د سيمې خلک ورڅخه کوچ وکړي او بيا وروسته يې د طالبانو په وسيله اشغال کړي؛ چې همدغه لړۍ د نورستان څخه نېولې. دا مهال د کنړ په ولايت کې دوام لري او ښايي له کنړ وروسته د ننگرهار سرحدي ولسواليو، لکه د خېوی ولسوالۍ کاشکوټونو گوښتې، کامې او لعلپورې ته هم وغځيږي؛ ځکه دغه ټولې ولسوالۍ د کنړ سيند ها غاړې موقعيت لري، کوم چې د پاکستان لپاره حياتي ارزښت لري او ددې لپاره چې ددې سيند له اوبو څخه په ډاډه زړه تر دې بريده گټه پورته کړي، چې افغانستان په يوازې ځان په دغه سيند باندې د حقوقي پلوه بندجوړولو واکمن و نه گرځي، نو ښايي لدې امله يې دغه لړۍ پيل کړې اوسي.

په دانگام ولسوالۍ کې د ځايي خلکو د کورونو سوځول او هغوی کوچېدلو ته اړکول هم ددې ټکي غمازي کوي؛ نو بايد چې د افغان دولت لخوا د ځايي خلکو د کوچېدلو پايله لرونکو عواقبو ته پاملرنه اوسي او پدې سيمو کې د افغان امنيتي ارگانونو قطعات او کنډکنو ځای پر ځای پريوځي؛ ځکه د ځايي خلکو مسؤليت ندې چې طالبانو سره وجنگيږي؛ د خلکو او نورو ولسواليو مېړانه اوس هم دستائيلو وړ ده چې د دولت د امنيتي ارگانونو او په ځانگړې توگه د ملي اردو دنده ترسره کوي. بهرنۍ مرستې دې حکومتي چارواکي او د امنيتي ارگانونو لوړ پوړي مسوولين خوري او د هيواد پولې دې، هغه بېوزله ولس ساتي چې د پانگوال اقتصادي نظام له برکته يې اقتصادي ژوند هم له گواښ سره مخ دی، آخر د دولت درې نيم لکه امنيتي ارگانونه ټول د شخصيتونو (!) په ساتنه مکلف دي چې په لوړو سرحدي نقطو کې د دوی د نه شتون لامله طالبان ۷مخ

همه چیز پشت سرِ واژۀ کابینه!

تکساری

آن همه شور و شوقی را که توافق نامۀ سیاسی و تشکیل حکومت وحدت ملی در میان مردم به وجود آورده بود، آرام آرام در میان مردم فروکش نموده و به سردی گرائیده است. تاخیر در معرفی اعضای کابینه نظر به عوامل مختلف این باور را در میان مردم به وجود آورده است که در پس این تصویر های رنگین و شعار های بلند بالا سیاست های پیچیده و غیر قابل ادراک وجود دارد. از اوضاع و احوال فهمیده می شود که در میان هر دو تیم تفاوت های فراوان به نظر می رسد و هردو تیم قادر به تعیین افراد در رده های هیئت کابینه نیستند. گمانه زنی هایی وجود دارد که یک سلسله عوامل داخلی و خارجی به این معطل افزوده است.

از سوی دیگر جایگاه اجتماعی رهبران هردو تیم فرق دارد. آقای غنی یک چهرۀ تکنوکرات و از طرفداران پر و پا قرص اندیشه های غربی و امریکایی در افغانستان است و به قدرت بیشتر می اندیشد تا به خدمت گزاری به مردم افغانستان. از سوی دیگر داکتر عبدالله از چهره هایی است که در میان مجاهدان به شهرت رسیده و از آدرس جهاد این کرسی و پست های گذشته خویش را به دست آورده بود و هیچگاه حاضر نیست برنامه های جهادگران را دست کم بگیرد. این ها همه موجبات بحران های کنونی را بوجود آورده است.

از سخنان رئیس اجرائیه فهمیده می شود که حرف اول را در تعیین اشخاص و افراد شخص رئیس جمهور داشته و آقای غنی تلاش می نماید تا نقطه نظرات خود را به تیم مقابل خویش بقبولاند. ظرف ماه های گذشته تیم تحول و تداوم تلاش نمود تا طرف مقابل خود را به حاشیه بکشاند. اما فشار های داخلی و طرفداران رئیس اجرائیه جانب تیم تحول و تداوم را نرم تر ساخت تا جریان تقسیم قدرت را از سر بگیرد. هنوز هم باور بر این است که رئیس جمهور تلاش دارد وزرای بخش امنیتی و اقتصادی را از چهره های بی طرف و تکنوکرات های غرب تعیین نماید. جابجایی این شخصیت ها در این پست ها از نظر آقای غنی بهتر از شخصیت های وابسته به تیم داکتر عبدالله عبدالله می باشد. در جایی که نتواند اشخاص مورد نظر خود را در پست های کابینه جابجا نماید، از چهره های بی طرف و غیر وابسته سخن می گوید.

به هر صورت حکومت ظرف سه ماه بدینسو فقط با شعار زنده گی می کند. نظر به فرمان ریاست جمهوری تمام تقرری ها، تبدیلی و ترفیع کارمندان دولت تا هدایت ثانی به حالت تعلیق در آمده است؛ اما رئیس جمهور با یک اشاره در حدود بالاتر از سی تن از کارمندان نظامی و ملکی را در هرات سبکدوش می نماید و جای آن ها را سرپرست ها به عهده می گیرد. این یک نوع پارادوکس و تضاد گویی در گفتار ص۷

بعد از تجاوز ۶ جدی
الله اکبر

فقیری

شام ۶ جدی در سالروز تجاوز نظامی و لشکر کشی بیرحمانۀ امپریالیسم جهانخوار شوروی وقت برکشور، برنامۀ جالب و مستند تلویزیون خصوصی را در مورد این تجاوز و بر بنیاد یک فلم مستند روسی که بر زبان پشتو ترجمه شده بود، تماشا کردم.

این تلویزیون خصوصی که مدت ها نشرات ضد جهادی داشت و معمولاً مهمانان آن از عناصر چپ و گروه های منحرف، تشکیل می یافت، در این شب و روز ها، برنامه های خویش را تغییر داده و گویا به سوی مثبت در حرکت است!

مالک تلویزیون در برنامه های اسلامی شرکت می کند و برنامه های اسلامی را در تلویزیون افزایش داده است. ما به افراد مسلمان و بر باور نیک، این اقدام تلویزیون مذکور را ستایش می کنیم و بخصوص نشر فلم روسی و ترجمۀ پشتوی آن را در سالروز تجاوز تاریخی شوروی وقت، یک اقدام نیک می دانیم.

چیز مهمی که در فلم وجود داشت، افغانستان و مردم آن و به ویژه مردم مجاهد کندهار بود که با ضربات کوبندۀ شان روس ها را به عقب نشینی و فرار مجبور ساخته بودند. کلمۀ مبارک الله اکبر در آهنگ های رزمی و روسی این فلم تکرار می شد.

روس ها فکر می کردند که مجاهدین با گفتن الله اکبر نیروی تازه و تقویت دهنده می یابند و ضربات آنان را بیشتر می سازد.

برای مسلمانان نماز گزار بسیار معمول است که الله اکبر بگویند زیرا این کلمات را ده ها بار در نماز های فرض، سنت و واجب و نوافل همه روزه می گویند و باور و عقیده دارند که خداوند بزرگ است. نه تنها در نماز ها بلکه، این یک شعار مسلمانان است که در همه میدان های جهاد، در میدان جهاد بر ضد کفر و ستم، بر ضد تجاوز خارجی و در مبارزه با شیطان و در همه میدان ها این شعار را بلند کرده اند.

همه مسلمانان به خصوص پس از ظهور اسلام تا امروز، این شعار و این نعرۀ مسلمانان در هر میدان جهاد و مبارزه بوده است.

مجاهدین افغانستان، پس از شرف یابی به دین مقدس اسلام، در همه جنگ ها و مقابله ها با دشمنان مستبد داخلی و خارجیان متجاوز، همواره این شعار و این نعرۀ را بلند کرده اند. وقتی تاریخ افغانستان را مطالعه می کنیم، به خوبی می بینیم که در سه جنگ افغانستان با انگلیس ها، همه مجاهدان کلمۀ الله اکبر را بلند کرده و با این شعار بر صفوف دشمنی یورش برده اند. جمعیت اسلامی افغانستان در شرایط مبارزۀ سیاسی در دورۀ سلطنت نیز در تظاهرات خویش همیشه از این شعار و این نعره استفاده می کرد و به دل های مومنان قوت می بخشید. مردم کابل و ولایات شاهد اند که در همه مظاهره ها و همه اجتماعات جمعیت اسلامی، فریاد های الله اکبر بلند می بود و این بزرگترین ضربه ای بود که بر پیکر شیطان و چاکران چپی و غربی آن حواله می گردید و راستی دنباله روان سیاست مسکو که فقط هورا هورا می گفتند با شنیدن نام خدای بزرگ و الله اکبر لرزه بر اندام شان پدیدار می شد و این شعار ها و نعره ها بود که نظام سلطنت را به ص۷